

ملاحظات جمعیتی مناطق منتخب ایران

یعقوب فروتن*

E-mail: y.foroutan@umz.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۲۵

چکیده

این مقاله‌ی پژوهشی معطوف به بررسی ملاحظات جمعیتی مناطق مختلف ایران است. پرسش کلیدی تحقیق حاضر عبارت است از این‌که آیا رویکردهای جمعیتی افراد ساکن در مناطق مختلف ایران با همدیگر متفاوت است یا مشابه؟ تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق مبتنی بر یک بررسی پیمایشی است که جمعیت نمونه آن را مردان و زنان ساکن نقاط شهری و روستایی دوازده شهرستان منتخب ایران تشکیل می‌دهند. به‌طور خلاصه، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که به‌رغم وجود برخی تشابهات در رویکردهای جمعیتی، کماکان تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای بین افراد ساکن در مناطق مختلف ایران از نقطه‌نظر رویکردهای جمعیتی آنان مشاهده می‌شود. بر همین اساس و با توجه به تفاوت مناطق در سرتاسر ایران، نتایج تحقیق حاضر بر این اصل بنیادین تأکید دارند که موفقیت پایدار سیاستگذاری‌های جمعیتی مستلزم توجه کافی به مناطق مختلف کشور و منوط به مطالعات دقیق علمی ناظر بر رویکردهای جمعیتی ساکنین مناطق مختلف در سرتاسر ایران است.

کلید واژه‌ها: جمعیت، رویکرد جمعیتی، مناطق، ایران.

* دانشیار جمعیت‌شناسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران و محقق افتخاری دانشگاه وایکاتو نیوزیلند و دانشگاه غرب سیدنی، استرالیا، نویسنده‌ی مسؤول

مقدمه و مسأله تحقیق

به‌طور کلی، هدف اصلی در این مقاله‌ی پژوهشی این است تا رویکردهای جمعیتی مناطق منتخب ایران را مورد مطالعه قرار دهد پرسش کلیدی تحقیق این است که آیا رویکردهای جمعیتی افراد ساکن در مناطق مختلف ایران با همدیگر متفاوت است یا مشابه؟ علاوه بر این و در چارچوب همین پرسش کلیدی تحقیق، سؤال دیگر تحقیق حاضر این است که آیا متغیر جنس تأثیرات تعیین‌کننده‌ای دارد؟ به این معنا که آیا رویکرد جمعیتی مردان و زنان ساکن در مناطق مختلف ایران با همدیگر متفاوت است یا مشابه؟ بر همین اساس، در این تحقیق می‌کوشیم تا شواهدی پژوهشی و تجربی برای پاسخگویی به این پرسش‌های کلیدی تحقیق ارائه دهیم.

گلدستون و همکاران (۱۳۹۵) در کتاب «جمعیت‌شناسی سیاسی» به نمونه‌های بسیار مهم و ارزشمندی اشاره کرده‌اند که به خوبی اهمیت و ضرورت این قبیل مطالعات را نشان می‌دهند. آنان به رویکردهای جمعیتی یک گروه از یهودیان موسوم به «هریدی» اشاره می‌کنند که تمایلات قوی‌ای به افزایش جمعیت دارند، و خاستگاه اصلی آن را نیز باید در نحوه‌ی نگرش جنسیتی بسیار سنتی آنان جست‌وجو کرد؛ تاحدی که حتی چاپ و نشر تصاویر زنان در جراید و نشریات عمومی را نمی‌پذیرند. نمونه دیگر مربوط به رویکردهای جمعیتی یک فرقه از مسیحیان پروتستان مذهب موسوم به «کیوورفول» است که معتقدند به دنیا آوردن فرزندان زیاد و نقش مادری و حضور کامل در داخل خانه مهم‌ترین وظیفه‌ی زنان است و به همین سبب آنان نه تنها حق استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری را ندارند بلکه موظف به اطاعت کامل از شوهران خویش هستند. ناگفته نماند که این‌گونه رویکردهای جمعیتی را می‌توان در بین گروه‌ها و فرقه‌های مذهبی در برخی جوامع اسلامی نیز مشاهده کرد؛ به‌طوری‌که در مواردی به‌ویژه در منطقه خاورمیانه، شدت وظایف فرزندآوری زیاد و نقش‌های خانگی به حدی است که حتی حقوق اولیه همچون حق راندگی و یا حق رأی نیز از زنان سلب می‌شود. به همین سبب، مجموعه این شرایط بر ضرورت و اهمیت تحقیقات و مطالعات علمی در این حوزه پژوهشی تأکید می‌کند و بر همین اساس، ما نیز در این مقاله‌ی پژوهشی می‌کوشیم تا در حد امکان شواهدی پژوهشی و تجربی ارائه دهیم تا بتوان در یک فضای علمی مبتنی بر یافته‌های پژوهشی، رویکردهای جمعیتی افراد ساکن در مناطق مختلف ایران را مطالعه و بررسی کنیم.

ادبیات و پیشینه‌ی تحقیق

بررسی ادبیات تحقیق در ایران نشان می‌دهد که به‌رغم این‌که تنوع در کشور وجود دارد، اما قدمت و وسعت تحقیقات در این حوزه مطالعاتی اندک است. به‌عنوان مثال، بررسی تطبیقی نتایج تحقیق اسدی و همکاران (۱۳۵۶) در دهه ۱۳۵۰ و تحقیق عبدی و گودرزی (۱۳۷۷) در دهه ۱۳۷۰ به خوبی نشان دهنده‌ی تحولات عمیق در نگرش‌های جمعیتی و جنسیتی در جامعه ما است؛ به‌طوری‌که مثلاً در مقایسه با گذشته، امروزه نسبت بیشتری با بُعد کوچکتر خانواده و کار خارج خانۀ زنان نگرش مثبت و موافق دارند (به نقل از شادی‌طلب، ۲۰۰۵: ۳۵-۵۵). گفتنی است که این‌گونه تحولات نگرشی را در ادبیات تحقیق با عنوان «انتقال فرهنگی بین نسلی نگرش‌ها نام نهاده‌اند». نتایج تحقیق طالب و گودرزی (۱۳۸۳) در بین گروه‌های استان سیستان و بلوچستان نشان داد که بلوچ‌ها بیشتر به الگوهای سنتی ارزش‌های خانوادگی و سطح بالاتر فرزندآوری گرایش داشتند؛ درحالی‌که نگرش گروه‌های غیربلوچ به خانواده حول محور ارزش‌های فردگرایانه و استقلال خانواده با عملکرد جمعیتی پایین بود، مطابق نتایج تحقیق عباسی شوازی و صادقی (۱۳۸۵)، تفاوت‌های باروری، به‌طور چشمگیری، بعد از کنترل مشخصه‌های اجتماعی - جمعیتی به‌ویژه تحصیلات کاهش یافته و تا حدی در رفتار باروری و گروه‌های قومی همانندی و همگرایی ایجاد می‌شود. با این حال، این همانندی و همگرایی کامل نیست و به‌رغم کنترل آماری مشخصه‌ها، هنوز برخی از تفاوت‌های قومی باروری بدون تبیین باقی می‌ماند. نتایج تحقیق خمسه‌ای (۱۳۸۵) در بین دانشجویان دختر و پسر فارس و گُرد نشان داده است که در بین دانشجویان دختر اعم از فارس و گُرد، تفاوت معناداری از نقطه نظر طرحواره‌های نقش جنسیتی وجود ندارد، درحالی‌که این تفاوت‌های قومی در بین دانشجویان پسر معنادار است. مطابق نتایج تحقیق حسینی و عباسی شوازی (۱۳۸۹) در بین زنان گُرد و ترک شهرستان ارومیه، تفاوت معناداری بین این‌ها وجود دارد؛ به‌طوری‌که گُردها از سطح بالنسبه بالاتر فرزندآوری در مقایسه با ترک‌ها برخوردارند.

نتایج تحقیق محمودیان و نوبخت (۱۳۸۹) بر روی گروه‌های مذهبی سنی و شیعی در شهر گله‌دار استان فارس نشان داده است که گرچه سطح تفاوت الگوهای فرزندآوری این دو گروه پس از ورود متغیرهای کنترل در مدل‌های تحلیل کاهش یافت؛ اما زنان سنی مذهب کماکان از میزان فرزندآوری بیشتری نسبت به زنان شیعی

مذهب برخوردارند. نتایج تحقیق ادیبی سده و همکاران (۱۳۹۰) بر روی زنان کرد ساکن اندیمشک نشان داده است که تحصیلات زنان و وضعیت اشتغال شوهر و نحوه نگرش به باروری نقش بسیار تعیین کننده‌ای در الگوهای فرزندآوری این گروه دارند. نتایج تحقیق حسینی و گراوند (۱۳۹۲) در میان زنان لر و لک در شهر کوهدشت نشان داده است که بیش از ۸۰ درصد آنان میانگین سن ازدواج ترجیحی شان برای دختران بیشتر از سن خودشان به هنگام ازدواج است. این نحوه نگرش نسبت به اولین گام شکل بندی خانواده یعنی ازدواج می تواند نقش تعیین کننده‌ای در الگوهای فرزندآوری به ویژه در میان نسل های جدید ایفا کند. نتایج تحقیق فروتن و همکاران (۱۳۹۵) در شهرستان بجنورد نشان داده است که مردان شیعی و سنی مذهب نگرش های جنسیتی کمابیش مشابهی دارند؛ در حالی که نگرش جنسیتی زنان شیعی و سنی مذهب با همدیگر متفاوت است. برای نمونه، زنان شیعی مذهب بیش از زنان سنی مذهب نگرش مثبت به اشتغال زنان دارند. نتایج پژوهش حسینی و همکاران (۱۳۹۵) در زمینه بررسی تطبیقی تمایلات فرزندآوری زنان گرد در مناطق روستایی شهرستان کامیاران نشان داد که اگرچه تمایلات فرزندآوری زنان اهل سنت کمی بیش تر از زنان شیعه است، اما ترکیبی از مشخصه های فرهنگی، اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی نقش تعیین کننده و معناداری در پیش بینی احتمال تمایل به فرزندآوری در میان زنان هر دو گروه دارند. نتایج تحقیقات فروتن (۱۳۸۸، ۱۳۹۴، ۲۰۱۴، ۲۰۱۹) در زمینه مناسبات بین تحولات فرزندآوری و تغییرات اجتماعی طی نیم قرن اخیر در ایران از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ نشان داد که دامنه و عمق تغییرات اجتماعی فرهنگی طی چند دهه ی اخیر به حدی است که جامعه ما را به آزمایشگاه اجتماعی مناسبی برای تجزیه و تحلیل الگوهای شکل بندی خانواده و فرزندآوری تبدیل کرده است؛ به طوری که روندهای کلی آن کمابیش بر تمامی مناطق صدق می کند.

از سوی دیگر، بررسی ادبیات تحقیقات نشان می دهد که تحقیقات گسترده ای در این حوزه مطالعاتی در سایر نقاط جهان صورت گرفته است. به عنوان مثال، نتایج یک تحقیق در سال ۱۹۷۱ نشان داد که وجود نگرش های جمعیتی متفاوت در بین گروه های مذهبی در لبنان سبب شد تا زنان شیعی مذهب دارای بالاترین سطح فرزندآوری، یعنی به طور متوسط حدود ۷ فرزند به ازای هر زن باشند، در حالی که این میزان در جمعیت سنی مذهب برابر با تقریباً ۶ فرزند، در میان کاتولیک ها نزدیک به ۵ فرزند و در میان

جمعیت غیرمسیحیان نیز تقریباً ۴ فرزند به ازای هر زن بود (به نقل از گلدستون و همکاران، ۱۳۹۵). هم‌چنین می‌توان به تحقیق هانتینگتون (۱۹۹۶) اشاره کرد که نشان داد آن دسته از اقوام و مذاهب که به لحاظ جمعیت‌شناختی رو به رشد و گسترش هستند، بر روی گروه‌هایی که رشد جمعیت آنها کندتر است فشار می‌آورند که به برخورد بین گروه‌های قومی مذهبی منجر می‌شود. نتایج «بررسی جهانی ارزش‌ها» طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۹ نشان داد که در تعدادی از این کشورهای اسلامی مانند الجزایر، بنگلادش، اندونزی، اردن، پاکستان، نیجریه و مصر، آن دسته از گروه‌های مذهبی زنانی که موافق قانون شریعت بودند، از سطح فرزندآوری بالاتری برخوردار بودند. نتایج تحقیق وستوف و فرجکا (۲۰۰۷) بر روی الگوهای فرزندآوری گروه‌های مختلف در تعدادی از کشورهای اروپایی شامل اتریش، اسلواکی، اوکراین، بلغارستان و کرواسی طی سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۱ نشان داده است که گرچه سطح فرزندآوری تمامی آنها طی این سال‌ها یک روند نزولی را طی کرده است، با این همه در مقایسه با سایر گروه‌ها مانند کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها، مسلمانان همواره بالاترین و بیشترین سطح فرزندآوری را داشته‌اند. نتایج و یافته‌های پژوهشی یک پروژه بین‌المللی از سوی مؤسسه تحقیقاتی پیو (۲۰۱۳) در خصوص نگرش مسلمانان کشورهای اسلامی درباره الگوهای فرزندآوری و کنترل مولید نشان داد که از یک‌سو، نسبت قابل ملاحظه‌ای از مسلمانان در برخی از کشورهای اسلامی با برنامه‌های کنترل جمعیت مخالف هستند. به‌عنوان مثال، نزدیک به نیمی از مسلمانان در کشورهای پاکستان و تونس و حدود یک سوم مسلمانان در کشورهای بنگلادش و ترکیه با برنامه‌های کنترل مولید مخالف هستند. از سوی دیگر، این نسبت در برخی دیگر از کشورهای اسلامی بسیار اندک است. به‌عنوان مثال، فقط حدود یک دهم مسلمانان در کشورهای اردن و تاجیکستان و مالزی نگرشی منفی و مخالف نسبت به برنامه‌های کنترل مولید دارند. نتایج تحقیقات فروتن نیز در دو کشور عمده قاره اقیانوسیه یعنی نیوزیلند (۲۰۱۷) و استرالیا (۲۰۱۵)، ۲۰۱۹، ۲۰۲۰) نشان داده است که گرچه مسلمانان در مقایسه با سایر گروه‌ها از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اقتصادی بالنسبه پایین‌تری برخوردار هستند، اما این الگوی کلی لزوماً بر تمامی مسلمانان صدق نمی‌کند؛ زیرا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اقتصادی آنان تابعی از خاستگاه و زادگاه اصلی‌شان است. بدین ترتیب، در جمع‌بندی پیشینه‌ی تحقیق می‌توان گفت که به‌رغم وجود تنوع در ایران، حجم تحقیقات در این

حوزه مطالعاتی در کشور ما اندک و محدود است و در راستای تکمیل همین خلأ تحقیقاتی می‌کوشیم در حد توان خود شواهد پژوهشی در زمینه بررسی رویکردهای جمعیتی افراد ساکن در مناطق مختلف ایران ارائه دهیم.

چارچوب نظری تحقیق

در مجموع، تئوری‌های ارائه شده در زمینه رویکردهای جمعیتی را می‌توان در قالب سه گروه عمده زیر تقسیم‌بندی کرد. گروه اول نظریه‌ها بر این اصل استوار است که آنچه بیش از همه باعث پیدایش الگوهای متفاوت جمعیتی می‌شود، ریشه در ویژگی‌ها و خصایص اقتصادی و اجتماعی آنها دارد و متغیر قومیت نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا نمی‌کند. مثلاً در نظریه کافمن و اسکایربک (۲۰۱۱)، از مجموعه‌ای از شرایط اقتصادی اجتماعی (مانند بی‌سوادی، روستانشینی، موانع دسترسی به وسایل کنترل مولید، مزایای فرزندان زیاد در اقتصاد کشاورزی سنتی) برای تبیین الگوهای جمعیتی در جوامع اسلامی استفاده شده است و متغیرهای قومیت و مذهب به‌عنوان یک عنصر ثانوی در نظر گرفته شده‌اند. گروه دوم نظریه‌ها عمدتاً مبتنی بر وضعیت و موقعیت اقوام به‌عنوان یک گروه اقلیت هستند. به عقیده‌ی این نظریه‌پردازان مانند مک کوپلان (۲۰۰۴)، موقعیت گروه‌های قومی مذهبی به‌عنوان یک گروه اقلیت به دو شکل می‌تواند رفتارهای جمعیتی آنان را تحت تأثیر قرار دهد: یکی، عدم امنیت و درحاشیه بودن مذهبی به‌عنوان یک گروه اقلیت و دیگری، حفظ ارزش‌ها و هنجارهای گروه‌های قومی مذهبی به این معنا که آنان می‌کوشند تا کماکان موقعیت خود را از طریق تداوم ارزش‌ها و هنجارهایی از قبیل بعد گسترده خانواده حفظ کنند. و بالأخره، گروه سوم نیز دربردارنده‌ی نظریه‌هایی است که تکیه و تأکید عمده آن بر باورهای فرهنگی دینی آنان است. در همین زمینه می‌توان به نظریه لوکاس و میر (۱۳۸۱) اشاره کرد که معتقدند ایدئولوژی افزایش جمعیت برخی مردم ریشه در باورهای فرهنگی آنها مانند تشویق به ازدواج در سنین پایین، حرام و ممنوع تلقی کردن سقط جنین و استفاده از وسایل کنترل مولید، و داشتن فرزندان زیاد به‌عنوان یک ارزش دارد. بنابراین، در تحقیق حاضر می‌کوشیم با استفاده از مجموعه این سه دسته نظریه‌های عمده رویکردهای جمعیتی افراد ساکن مناطق مختلف ایران را مطالعه کنیم.

مبانی روش‌شناسی تحقیق

مباحث تجربی این مقاله مبتنی بر تجزیه و تحلیل‌های یک بررسی پیمایشی است. با توجه به تنوع و گستردگی جغرافیایی کشور ما و متناسب با بودجه و امکانات محدود پژوهشگران، مناطق کمابیش متعدد و گوناگون انتخاب شده‌اند که تا حد قابل ملاحظه‌ای دربردارنده‌ی گستردگی جغرافیایی و تنوع‌های فرهنگی اجتماعی به‌ویژه از نقطه نظر ترکیب‌های قومی و مذهبی بخش‌هایی از کشور ما است که می‌توان براساس آنها برخی از مهم‌ترین الگوهای مرتبط با موضوع تحقیق را فراتر از یک شهرستان و در سطحی نسبتاً گسترده‌تر بررسی کرد. بر همین اساس، جمعیت نمونه این پژوهش پیمایشی را مجموعاً تعداد ۵۲۰۰ نفر مردان و زنان ۱۵ ساله و بالاتر ساکن در نقاط شهری و روستایی شهرستان‌های اسفراین، اهواز، بابلسر، بجنورد، خرم‌آباد، رشت، سقز، کامیاران، گرگان، گنبدکاووس، محمودآباد و همدان تشکیل می‌دهند. حجم نمونه تحقیق با استفاده از روش کوکران تعیین شده و برای گزینش نمونه‌های تحقیق نیز از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌های تحقیق نیز پرسشنامه ساخت‌یافته بود. پس از گردآوری داده‌های مورد نیاز این تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه، از برنامه نرم‌افزار SPSS برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق استفاده شده است که نتایج این تجزیه و تحلیل‌های تحقیق در بخش بعدی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

متغیر وابسته و متغیرهای مستقل و گویه‌های سنجش آنها

متغیر وابسته یا تابع اصلی در تحقیق حاضر، رویکردهای جمعیتی است که در این تحقیق برای سنجش آن از دو شاخص استفاده کرده‌ایم: یکی، نحوه‌ی نگرش به مؤلفه‌ی جمعیتی مبتنی بر فرهنگ سنتی و باورهای دینی، از جمله: «هر آن کس که دندان دهد، نان دهد». دیگری، نحوه‌ی نگرش به سیاست افزایش جمعیت. هر یک از این گویه‌ها و مؤلفه‌های جمعیتی در چهار سطح (کاملاً موافق، موافق، مخالف، کاملاً مخالف) در پرسشنامه تحقیق از سوی پاسخگویان مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار گرفته‌اند. متغیرهای مستقل در تحقیق حاضر نیز شامل سه دسته‌ی عمده می‌شود: دسته اول، متغیرهای زمینه‌ای مشتمل بر سن، جنس، محل سکونت، تحصیلات. دسته دوم، متغیرهای مرتبط با نگرش‌های جنسیتی که با استفاده از دو شاخص مورد سنجش قرار گرفته است: یکی، نحوه‌ی نگرش به الگوی سنتی نقش‌های جنسیتی «مرد، نان‌آور

خانوار» و دیگری، نحوه‌ی نگرش به اشتغال زنان در کارهای خارج خانه. دسته سوم، متغیرهای مرتبط با دینداری که در تحقیق حاضر به سه روش مورد سنجش قرار گرفته است: ابتدا، برای اندازه‌گیری سطوح دینداری از روش متداول در «برنامه بین‌المللی پیمایش اجتماعی» (ISSP) و از سوی محققان برجسته معاصر (مانند ژاکوب و کالتر، ۲۰۱۳؛ هون و وانتوبرگن، ۲۰۱۴) استفاده کرده‌ایم که پاسخگویان ارزیابی شخصی خودشان درخصوص سطح دینداری خویش را در یک طیف پنجگانه (خیلی زیاد، زیاد، کم، خیلی کم، اصلاً) در پرسشنامه تحقیق اظهار کرده‌اند. سپس، نگرش پاسخگویان نسبت به نوع حجاب و پوشش زنان در اماکن عمومی (شامل چادر، مقنعه، روسری، عدم موافقت با این انواع پوشش) و تصمیم‌گیری زنان درخصوص نوع حجاب و پوشش خودشان نیز در طیف چهارگانه (کاملاً موافق، موافق، مخالف، کاملاً مخالف) مورد سنجش قرار گرفته است.

ویژگی‌های جمعیتی نمونه تحقیق

هم‌چنان‌که پیشتر نیز ذکر شد، جمعیت نمونه تحقیق را مجموعاً تعداد ۵۲۰۰ نفر مردان و زنان ۱۵ ساله و بالاتر ساکن در نقاط شهری و روستایی شهرستان‌های اسفراین، اهواز، بابلسر، بجنورد، خرم‌آباد، رشت، سقز، کامیاران، گرگان، گنبدکاووس، محمودآباد و همدان تشکیل می‌دهند که ۵۱/۱ درصد آنها را جمعیت مردان و ۴۸/۹ درصد را نیز جمعیت زنان شامل می‌شوند. از نقطه نظر محل سکونت نیز ۶۳/۸ درصد جمعیت نمونه تحقیق ساکن نقاط شهری و مابقی آنها نیز ساکن نقاط روستایی هستند. میان‌سن جمعیت نمونه تحقیق نیز ۳۱/۹ سال است که با میان‌سن جمعیت کل کشور (حدود ۳۰ سال) تقریباً برابر و یکسان است. از نقطه نظر وضعیت تأهل نیز نزدیک به دو سوم جمعیت نمونه تحقیق را افراد متأهل و قریب به یک سوم را نیز افراد مجرد تشکیل می‌دهند و نسبت افراد بی‌همسر در اثر طلاق و در اثر فوت همسر نیز بسیار ناچیز (به ترتیب، ۱/۶ درصد و ۲/۳ درصد) است. توزیع جمعیت نمونه تحقیق برحسب سطح تحصیلات نشان می‌دهد که کمتر از ۱۰ درصد بی‌سواد، ۲۰ درصد تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، ۴۰ درصد تحصیلات دیپلم و فوق‌دیپلم، حدود ۳۰ درصد نیز تحصیلات لیسانس و بالاتر دارند.

نتایج و یافته‌های تحقیق

۱- نگرش افراد نسبت به گویه‌ی «هر آن کس که دندان دهد، نان دهد»

به منظور بررسی و سنجش رویکردهای جمعیتی افراد ساکن در مناطق مختلف ایران، نحوه‌ی نگرش آنها به گویه‌ی مبتنی بر فرهنگ سنتی و باورهای دینی «هر آن کس که دندان دهد، نان دهد» مدنظر قرار گرفت. مردم مناطق مورد مطالعه تا چه حد با این مؤلفه فرهنگ سنتی و دینی ناظر بر رویکرد جمعیتی موافق هستند؟ این نحوه‌ی نگرش آنها تا چه حد تابعی از جنس آنهاست؟ در پاسخ به این پرسش‌های کلیدی و برپایه‌ی نتایج تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق می‌توان نکات مهم و اصلی زیر را استنباط کرد. اول آن‌که، بیشترین و بالاترین میزان نگرش مثبت به گویه‌ی «هر آن کس که دندان دهد، نان دهد» متعلق به ترکمن‌ها و مازنی است: در حدود سه چهارم آنان با این گویه موافق هستند. دوم این‌که، وضعیت کاملاً معکوس در بین لرها و لک مشاهده می‌شود؛ زیرا تنها حدود یک سوم آنها با این گویه موافق هستند. به عبارت دقیق‌تر، میزان نگرش مثبت نسبت به گویه‌ی فرهنگ سنتی و دینی فوق‌الذکر در بین ترکمن‌ها و مازنی‌ها بیش از دو برابر میزان آن در بین لرها و لک‌هاست. سوم این‌که، یک وضعیت تقریباً بینابینی برای سه گروه گیلک، گُرد و آذری وجود دارد: در حدود دو سوم آنان با گویه‌ی «هر آن کس که دندان دهد، نان دهد» موافق هستند.

چهارم این‌که، آیا الگوهای کلی فوق‌الذکر درباره نحوه‌ی نگرش به گویه‌ی مبتنی بر فرهنگ سنتی و باورهای دینی «هر آن کس که دندان دهد، نان دهد» در بین مردان و زنان گروه‌های مختلف متفاوت است؟ در مجموع، تجزیه و تحلیل‌های این بخش از تحقیق را می‌توان در چارچوب اصل همسویی و همگرایی جنسیتی تبیین کرد؛ به این معنا که مردان و زنان اغلب مناطق منتخب نگرشی کمابیش یکسان و مشابه یکدیگر به این گویه دارند. تنها در دو گروه این تفاوت جنسیتی نسبتاً برجسته‌تر است که در واقع، همان دو گروهی هستند که به مراتب کمتر از سایر گروه‌ها نگرش مثبت به این گویه دارند: در حدود دو پنجم مردان لر و لک با این گویه موافق هستند. نکته پایانی نیز معطوف به تأثیر متغیر محل سکونت است: در بین اغلب مناطق منتخب، روستائیان تاحدودی بیش از شهرنشینان نگرش مثبت به گویه‌ی مبتنی بر فرهنگ سنتی و باورهای دینی «هر آن کس که دندان دهد، نان دهد» دارند. این تفاوت شهری روستایی در دو گروه نسبتاً برجسته‌تر است: بیش از سه چهارم روستائیان مازنی‌ها و نزدیک به ۷۰ درصد روستائیان گُرد با این گویه موافق هستند، درحالی‌که این نسبت تنها شامل دو

سوم شهرنشینان آنها می‌شود. درعین حال، این تفاوت بین نقاط شهری و روستایی در سایر مناطق منتخب بسیار اندک و ناچیز است، به طوری که روستائیان و شهرنشینان نگرشی کامیابش یکسان و مشابه همدیگر به این گویهی «هر آن کس که دندان دهد، نان دهد» دارند.

جدول شماره ۱: نگرش مثبت به گویه «هر آن کس که دندان دهد، نان دهد» به تفکیک جنس و

محل سکونت

فراوانی	محل سکونت		جنس		کل	مناطق
	نقاط روستایی	نقاط شهری	زنان	مردان		
۳۴۵	۶۲/۰	۵۸/۶	۵۹/۶	۵۹/۸	۵۹/۷	همدان، اسفراین، بجنورد
۵۴۳	۷۵/۳	۷۵/۰	۷۷/۴	۷۳/۰	۷۵/۱	گنبد کاووس، گرگان
۸۰۴	۶۷/۷	۶۱/۰	۶۱/۶	۶۴/۰	۶۲/۸	کامیاران، سقز
۴۵۹	۶۷/۵	۶۳/۶	۶۳/۷	۶۸/۰	۶۵/۶	رشت
۳۶۴	۳۹/۴	۳۴/۴	۳۳/۷	۴۰/۹	۳۷/۴	اهواز
۲۴۱	۴۰/۳	۳۵/۲	۳۱/۱	۴۴/۵	۳۷/۸	خرم‌آباد
۹۶۶	۷۶/۸	۶۵/۱	۷۳/۱	۷۰/۸	۷۲/۹	بابلسر، محمودآباد

۲- نگرش به سیاست افزایش جمعیت

به منظور بررسی بهتر و سنجش دقیق‌تر رویکردهای جمعیتی افراد ساکن در مناطق مختلف ایران، یک مؤلفه دیگر یعنی نحوه‌ی نگرش آنها به سیاست افزایش جمعیت نیز در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته است. داده‌های جدول شماره ۲ نشان دهنده‌ی نتایج تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق درخصوص نحوه‌ی نگرش گروه‌ها به سیاست افزایش جمعیت است. برپایه‌ی این داده‌های تحقیق می‌توان به چند نکته اصلی اشاره کرد. اولین نکته‌ای که می‌توان استنباط کرد مربوط به یک وجه مشترک مهم و اصلی در بین همه‌ی گروه‌های مورد مطالعه است: اکثریت آنان (یعنی بیش از نیمی از آنها) نگرشی منفی و مخالف با سیاست افزایش جمعیت دارند. دوم این‌که، بیشترین و بالاترین میزان نگرش منفی به سیاست افزایش جمعیت در بین سه گروه لر و لک و آذری مشاهده می‌شود؛ به طوری که تنها در حدود یک پنجم آنها دارای نگرش مثبت به سیاست افزایش جمعیت هستند.

سوم این که، وضعیت کاملاً معکوسی در بین سه گروه ترکمن و گیلک و گُرد وجود دارد: آنان بیشترین و بالاترین میزان نگرش مثبت را به سیاست افزایش جمعیت دارند؛ به این معنا که حدود دو پنجم آنها نگرشی مثبت به سیاست افزایش جمعیت دارند. به عبارت دقیق‌تر، میزان نگرش مثبت این سه گروه به سیاست افزایش جمعیت بیش از دو برابر میزان آن در بین سه گروه لر و لک و آذری است. چهارم این که، بررسی تأثیر متغیر جنس بر نحوه‌ی نگرش گروه‌ها نسبت به سیاست افزایش جمعیت نشان می‌دهد که اگرچه الگوی واحدی در این خصوص وجود ندارد، اما این نگرش مثبت غالباً و نه همیشه در بین مردان بیش از زنان است. البته تنها موردی که این تفاوت نسبتاً برجسته‌تر است، مربوط به مازنی‌هاست: نزدیک به دو پنجم مردان و تنها کمتر از یک سوم زنان با سیاست افزایش جمعیت موافق هستند. در سایر گروه‌ها این تفاوت جنسیتی چندان چشمگیر نیست که عمدتاً تأیید کننده‌ی همان اصل و قاعده قبلی معطوف به همسویی و همگرایی جنسیتی است که در اینجا نیز صدق می‌کند؛ بدین معنا که مردان و زنان در اغلب مناطق منتخب کمابیش نحوه نگرشی یکسان و مشابه همدیگر به سیاست افزایش جمعیت دارند. پنجم این که، نحوه‌ی نگرش نسبت به سیاست افزایش جمعیت برحسب متغیر محل سکونت نشان می‌دهد که گرچه روستائیان تاحدودی بیش از شهرنشینان با این سیاست موافق هستند، اما این تفاوت شهری - روستایی نیز در بین اغلب مناطق چندان قابل ملاحظه نیست. تنها موارد استثنای آن عبارتند از دو گروه گُرد و مازنی؛ به این معنا که روستائیان آنها به میزان نسبتاً برجسته‌تری بیش از شهرنشینان موافق سیاست افزایش جمعیت هستند: بیش از نیمی از روستائیان گُرد و دو پنجم روستائیان مازنی، و تنها در حدود یک سوم شهرنشینان این دو منطقه دارای نگرش مثبت به سیاست افزایش جمعیت هستند.

جدول شماره‌ی ۲: نگرش مثبت به سیاست افزایش جمعیت به تفکیک جنس و محل سکونت

مناطق	کل	جنس		محل سکونت		فراوانی
		مردان	زنان	نقاط شهری	نقاط روستایی	
همدان، اسفراین، بجنورد	۲۱/۲	۲۲/۴	۱۹/۹	۲۰/۳	۲۳/۵	۳۴۵
گنبد کاووس، گرگان	۳۹/۴	۳۷/۱	۴۱/۹	۳۷/۹	۴۲/۰	۵۴۳
کامیاران، سقز	۳۸/۶	۳۶/۲	۴۰/۹	۳۴/۱	۵۰/۷	۸۰۴
رشت	۴۱/۲	۴۲/۹	۳۹/۸	۳۷/۸	۴۴/۴	۴۵۹

۳۶۴	۱۸/۱	۱۵/۹	۱۷/۲	۱۶/۸	۱۷/۰	اهواز
۲۴۱	۱۹/۶	۱۴/۹	۱۷/۸	۱۸/۱	۱۷/۹	خرم‌آباد
۹۶۶	۳۹/۲	۳۰/۴	۳۱/۳	۳۸/۳	۳۴/۹	بابلسر، محمودآباد

۳- تمایلات فرزندآوری

مطابق نتایج تحقیق حاضر مندرج در جدول شماره ۳، چهار الگوی کلی زیر را می‌توان در زمینه‌ی تمایلات فرزندآوری افراد ساکن در مناطق مختلف ایران استنباط کرد. نکته اول این که، برجسته‌ترین الگوی فرزندآوری در بین تمامی مناطق منتخب، الگوی «خانواده دو فرزندی» است؛ به طوری که در حدود نیمی از آنها، این الگوی فرزندآوری را ترجیح می‌دهند. البته، شدت تمایل به این الگوی فرزندی در بین مناطق یکسان نیست. به عنوان مثال، بیشترین تمایل به این الگو در بین دو گروه لر و لک مشاهده می‌شود؛ به طوری که دو سوم آنها الگوی دو فرزندی را ترجیح می‌دهند. در حالی که، کمترین تمایل به این الگوی فرزندآوری متعلق به دو گروه ترکمن و گُرد است: کمتر از نیمی از آنان (نزدیک به ۴۵ درصد)، الگوی دو فرزندی را ترجیح می‌دهند. نکته دوم این که، الگوی «خانواده بی فرزندی» در هیچ کدام از مناطق پذیرفتنی نیست؛ به طوری که تنها کمتر از ۲ درصد آنان به این الگوی فرزندآوری متمایل هستند. به همین سبب، در تجزیه و تحلیل‌های بعدی این تحقیق از آن صرف نظر شده است. نکته سوم این که، ترجیح الگوی «تک فرزندی» نیز از اقبال و پذیرش بالنسبه اندکی برخوردار است. با وجود این، میزان تمایل به این الگوی فرزندآوری متفاوت است و بیشترین سطح تفاوت را می‌توان در مقایسه بین دو گروه گیلک و ترکمن مشاهده کرد: گیلک‌ها بیش از دو برابر ترکمن‌ها، الگوی تک فرزندی را ترجیح می‌دهند (به ترتیب، ۱۴ درصد و ۶ درصد). در سایر گروه‌ها نیز تقریباً یک دهم آنها به این الگوی خانواده تک فرزندی تمایل دارند. نکته چهارم این که، در خصوص میزان تمایل به الگوی فرزندآوری زیاد (۳ فرزند و بیشتر) نیز تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد. از یک سو، این میزان در برخی گروه‌ها بیشتر است. مثلاً، نیمی از ترکمن‌ها و دو پنجم گُردها خواهان الگوی «۳ فرزند و بیشتر» هستند. از سوی دیگر، برخی گروه‌ها تمایل کمتری به این الگو دارند که برجسته‌ترین آنها گیلک‌ها هستند؛ به این معنا که تنها یک چهارم آنان، این الگوی فرزندآوری زیاد را ترجیح می‌دهند. این تمایل اندک را می‌توان در بین

دو گروه لک و لر نیز مشاهده کرد؛ زیرا کمتر از یک سوم آنها خواهان فرزندآوری زیاد هستند. در بین دو گروه ترک‌ها و مازنی‌ها نیز این تمایل بالنسبه اندک است: در حدود یک سوم آنها، فرزندآوری زیاد (۳ فرزند و بیشتر) را ترجیح می‌دهند.

جدول شماره ۳: تمایلات فرزندآوری

مناطق	بی‌فرزند	۱ فرزند	۲ فرزند	۳ فرزند و بیشتر	جمع	فراوانی
همدان، اسفراین، بجنورد	۰/۳	۱۲/۵	۵۳/۶	۳۲/۵	۱۰۰/۰	۳۴۵
گنبد کاووس، گرگان	۱/۳	۵/۷	۴۳/۶	۴۸/۸	۱۰۰/۰	۵۴۳
کامیاران، سفز	۱/۹	۱۲/۱	۴۴/۷	۴۱/۰	۱۰۰/۰	۸۰۴
رشت	۱/۵	۱۳/۷	۵۸/۰	۲۴/۴	۱۰۰/۰	۴۵۹
اهواز	۰/۸	۹/۱	۶۳/۲	۲۹/۰	۱۰۰/۰	۳۶۴
خرم‌آباد	۰/۰	۹/۵	۶۲/۷	۲۷/۸	۱۰۰/۰	۲۴۱
بابلسر، محمودآباد	۱/۶	۱۱/۳	۵۴/۷	۳۲/۵	۱۰۰/۰	۹۶۶

۴- تحلیل‌های چندمتغیره رگرسیون

نتایج تحلیل‌های رگرسیون لوجستیک در قالب دو مدل چندمتغیره در جدول شماره ۵ نشان داده شده است. در مدل اول، متغیرهای جمعیت‌شناختی شامل جنسیت، محل سکونت، گروه سنی، تحصیلات، و وضعیت تأهل، به‌عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند. در مدل دوم، علاوه بر متغیرهای جمعیت‌شناختی، متغیرهای اجتماعی - فرهنگی شامل دین‌داری، نوع پوشش زنان در اماکن عمومی، تصمیم‌گیری زنان در خصوص نوع پوشش خودشان و الگوی مردان‌آور خانوار نیز به‌عنوان متغیر مستقل مدنظر قرار گرفته‌اند. به‌طور خلاصه، مدل چند متغیری اول مبتنی بر آزمون اوم نی بوس، برازش مدل قابل قبول و در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنی‌دار است. نتایج دو آماره پزودو (ضریب تعیین کاکس و نل و ضریب تعیین نیجل کرک) حاکی از آن است که ۵ متغیر مستقل تحقیق توانسته‌اند، بین ۱۰/۵ تا ۱۴ درصد از تغییرات نگرش جمعیتی را تبیین کنند. صحت طبقه‌بندی در این مدل ۶۵/۶ درصد است. علاوه بر این، مدل چند متغیری دوم نیز مبتنی بر آزمون اوم نی بوس، برازش مدل قابل قبول و در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنی‌دار است.



جدول شماره ۴: نتایج تحلیل‌های رگرسیون لجستیک چند متغیره

مدل چند متغیری ۲		مدل چند متغیری ۱		متغیرهای مستقل	
Sig	Exp(B)	Sig	Exp(B)		
-	-	-	-	مردان (گروه مرجع)	جنسیت
۰/۰۰۰	۰/۴۹۹	۰/۰۰۰	۰/۶۲۱	زنان	
-	-	-	-	شهر (گروه مرجع)	محل سکونت
۰/۰۴۲	۱/۲۲۰	۰/۸۰۶	۰/۹۷۸	روستا	
-	-	-	-	۱۵-۱۹ (گروه مرجع)	گروه سنی
۰/۰۰۰	۰/۴۸۰	۰/۰۰۰	۰/۴۷۵	۲۴-۲۰	
۰/۰۰۰	۰/۴۵۷	۰/۰۰۰	۰/۴۶۶	۲۹-۲۵	
۰/۰۰۰	۰/۴۶۲	۰/۰۰۰	۰/۴۶۵	۳۴-۳۰	
۰/۰۰۳	۰/۵۱۹	۰/۰۰۰	۰/۴۸۳	۳۹-۳۵	
۰/۰۱۰	۰/۵۵۲	۰/۰۰۳	۰/۵۳۰	۴۴-۴۰	
۰/۰۰۰	۰/۳۶۵	۰/۰۰۰	۰/۳۵۵	۴۹-۴۵	
۰/۰۰۲	۰/۴۶۸	۰/۰۰۰	۰/۴۲۶	۵۴-۵۰	
۰/۰۰۰	۰/۳۱۸	۰/۰۰۰	۰/۳۲۵	۵۹-۵۵	
۰/۰۰۱	۰/۳۱۳	۰/۰۰۰	۰/۳۰۹	+۶۰	
-	-	-	-	بی سواد (گروه مرجع)	
۵۹۳/۰	۰/۸۷۹	۰/۹۳۸	۱/۰۱۸	ابتدایی	
۰۱۶/۰	۰/۵۵۴	۰/۱۵۵	۰/۷۲۲	راهنمایی	
۰۴۰/۰	۰/۶۱۸	۰/۶۹۶	۰/۹۱۸	دبیرستان	
۴۲۲/۰	۲۱۶/۱	۰/۰۱۰	۱/۷۹۴	فوق دیپلم	
۴۲۸/۰	۲۰۹/۱	۰/۰۰۶	۱/۸۳۷	لیسانس	
۰۲۹/۰	۸۶۳/۱	۰/۰۰۰	۲/۸۰۷	فوق لیسانس	
۱۸۴/۰	۹۳۲/۱	۰/۰۳۶	۲/۶۴۴	دکتری	
-	-	-	-	مجرد (گروه مرجع)	وضعیت تأهل
۰/۰۰۰	۰/۵۷۶	۰/۰۰۰	۰/۵۴۵	متاهل	
۰/۷۷۰	۰/۹۰۰	۰/۸۶۲	۰/۹۴۴	طلاق گرفته	
۰/۰۳۶	۰/۴۷۷	۰/۰۲۶	۰/۴۷۷	فوت همسر	

-	-	-	-	خیلی زیاد (گروه مرجع)	دین داری
۰/۱۰۷	۲۷۶/۱			زیاد	
۰/۰۰۰	۷۴۹/۱			کم	
۰/۰۱۴	۶۳۹/۱			خیلی کم	
۰/۲۸/۰	۱۶۸/۲			اصلاً	
۰/۰۰۰	۲۷۵/۲			نه مذهبی نه غیر مذهبی	
-	-	-	-	کاملاً موافق (گروه مرجع)	الگوی مرد نان آور خانوار
۰/۱۸/۰	۳۲۸/۱			موافق	
۰/۰۰۰	۷۰۵/۱			مخالف	
۰/۳۵/۰	۳۶۷/۱			کاملاً مخالف	
-	-	-	-	پوشش چادر (گروه مرجع)	نوع پوشش زنان در اماکن عمومی
۰/۰۰۰	۷۹۶/۱			پوشش مقنعه	
۰/۰۰۰	۱۹۲/۲			پوشش روسری	
۰/۰۰۰	۶۸۴/۴			عدم موافقت	
-	-	-	-	کاملاً موافق (گروه مرجع)	تصمیم گیری زنان در خصوص پوشش
۰/۰۰۰	۶۴۷/۰			موافق	
۳۲۴/۰	۸۸۲/۰			مخالف	
۵۰۱/۰	۹۰۶/۰			کاملاً مخالف	

نتیجه گیری

تحقیق حاضر کوشیده است تا برخی از مهم ترین جنبه های مرتبط با رویکردهای جمعیتی افراد ساکن در مناطق مختلف ایران را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. نتایج تجزیه و تحلیل های این تحقیق درباره ی نحوه ی نگرش به مؤلفه ی جمعیتی مبتنی بر فرهنگ سنتی موسوم به «هر آن کس که دندان دهد، نان دهد» و سیاست افزایش جمعیت در بین افراد ساکن در مناطق مختلف ایران نشان می دهد که اولاً، تفاوت های چشمگیری بین آنان از نقطه نظر نحوه ی نگرش به این مؤلفه ی جمعیتی ملاحظه می شود، به این معنا که ترکمن ها و مازنی ها بیش از دو برابر لرها و لک ها نگرشی مثبت

به این گویه دارند. ثانیاً، کمتر از نیمی از هر یک از گروه‌های ساکن در مناطق مختلف ایران نگرشی مثبت به سیاست افزایش جمعیت دارند و اکثریت آنها با این سیاست مخالفند. با این وجود، شدت و غلبه این نحوه‌ی نگرش در بین همه‌ی آنان یکسان نیست: میزان نگرش مثبت به سیاست افزایش جمعیت در بین ترکمن و گیلک و کرد بیش از دو برابر میزان آن در بین لر و لک و ترک است. علاوه بر این، نتایج این تحقیق در زمینه تمایلات فرزندآوری نشان داده است که اگرچه مناطق منتخب به الگوی ۲ فرزند بیش از سایر الگوهای فرزندآوری تمایل دارند، اما تفاوت‌های چشمگیری در زمینه فرزندآوری زیاد مشاهده شده است؛ به این معنا که از یکسو، کمتر از یک چهارم گیلک‌ها و کمتر از یک سوم لرها و لک‌ها خواهان فرزندآوری زیاد (۳ فرزند و بیشتر) هستند، اما از سوی دیگر، حدود نیمی از ترکمن‌ها و کردها و یک سوم ترک‌ها و مازنی‌ها به این الگوی فرزندآوری زیاد تمایل دارند.

در پایان، از منظر توصیه‌ها و کاربردهای سیاستی نیز نتایج این تحقیق را می‌توان مدنظر و مورد استفاده قرار داد و در این راستا، می‌توانیم از همان رویه و اصل جمعیت‌شناس برجسته و اقتصاددان معاصر، آلفرد سووی (۱۳۵۷)، یعنی همان کسی که استفاده کنیم. وی برای تبیین رویه‌ی اصلی خویش از یک مثال بسیار ساده اما پرمعنا بهره می‌گیرد: «درست است که گرفتن گاو از شاخ‌هایش خطرناک است، لیکن فراموش کردن این که گاو شاخ دارد، از آن هم خطرناک‌تر است». سپس، سووی نتیجه می‌گیرد که «شناخت و بررسی مشکلات بهترین وسیله‌ی فائق آمدن بر آنهاست» (سووی، ۱۳۵۷: ۱۵۸). در سال‌های اخیر نیز رویه‌ی کمابیش مشابهی از سوی جک گلدستون (۲۰۱۲) در کتاب «جمعیت‌شناسی سیاسی» مطرح شده است. وی ابتدا این پرسش کلیدی را مطرح می‌کند که مطابق قانون جاذبه زمین حتی نمی‌توان یک سیب چندگرمی را در هوا نگه داشت، پس انسان چگونه توانست آسمانخراش‌ها و هواپیماهای غول پیکر بسازد که مدت‌های طولانی در فضا باقی می‌مانند؟ این موفقیت‌های انسان مدیون دو نکته اساسی است: اول آن‌که انسان پذیرفت که گاو شاخ دارد؛ یعنی وجود واقعیتی کتمان‌ناپذیر به نام قانون جاذبه را پذیرفت. سپس، برای فائق آمدن بر آن کوشید تا مکانیسم و تاروپود این قانون و روابط آن با سایر قوانین مرتبط را هرچه بیشتر و دقیق‌تر کشف و شناسایی کند. ما هم می‌توانیم از رویه و منطق این دو دانشمند برجسته در زمینه تبیین و چاره‌جویی رویکردهای جمعیتی افراد ساکن در مناطق مختلف ایران

سود ببریم. یعنی ابتدا باید این واقعیت را بپذیریم که هنوز هم تفاوت‌های قابل توجهی بین مناطق مختلف کشور ما از نقطه نظر رویکردهای جمعیتی وجود دارد. به‌عنوان مثال، نتایج این تحقیق نشان داد که از یکسو، میزان نگرش مثبت به مؤلفه‌ی جمعیتی مبتنی بر فرهنگ سنتی موسوم به «هر آن کس که دندان دهد، نان دهد» در مناطق مازنی و ترکمن‌نشین بیش از دو برابر میزان آن در مناطق لر و لکنشین است. از سوی دیگر، مناطق ترکمن، گیلک و گردنشین دو برابر بیشتر از مناطق لر و لک و ترک‌نشین نگرش مثبت به سیاست افزایش جمعیت دارند. بنابراین، سیاستگذاری‌های رسمی در جامعه معاصر ما در راستای تشویق به افزایش جمعیت نیز بدون توجه کافی به گروه‌ها در مناطق مختلف ایران نمی‌تواند به نتایج مطلوب نایل آید، بلکه موفقیت پایدار سیاستگذاری‌های جمعیتی مستلزم تحقیقات دقیق و مطالعات علمی ناظر بر رویکردهای جمعیتی مناطق مختلف در سرتاسر ایران است.

منابع

- ادیبی سده، م؛ ارجمندسیاهپوش، ا؛ درویش زاده، ز. (۱۳۹۰): بررسی میزان افزایش باروری و عوامل مؤثر بر آن در میان طایفه گُرد ساکن اندیمشک، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۴(۱)، ۹۸-۸۱.
- افراخته، ح. (۱۳۷۵): تفاوت اهداف باروری بین زن و مرد، عوامل و نتایج آن؛ مطالعه موردی سیستان و بلوچستان، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ش ۴۱، صص ۱۲۳-۱۱۶.
- ترکاشوند، محمد (۱۳۹۱): «قومیت و باروی: نگاهی به کارهای صورت گرفته در ایران»، *فصلنامه جمعیت*، دور جدید، ش ۸۰، صص ۸۲-۶۵.
- حسینی، ح؛ گراوند، م. (۱۳۹۲): «سنجش عوامل مؤثر بر شکاف رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج در شهر کوهدشت»، *زن در توسعه و سیاست*، ۱(۱۱)، ۱۱۸-۱۰۱.
- حسینی، حاتم و همکاران (۱۳۹۵): «بررسی تطبیقی تمایلات فرزندآوری زنان کُرد شیعه و سنی در مناطق روستایی شهرستان کامیاران»، *مطالعات زن و خانواده*، دوره ۴، ش ۷، ۸۴-۶۳.
- خمسه‌ای، اکرم (۱۳۸۵): «بررسی ارتباط میان رفتار جنسی و طرحواره‌های نقش جنسیتی در دو گروه از دانشجویان متأهل: مقایسه رفتار جنسی زنان و مردان در خانواده»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، س ۲، ش ۸، صص ۳۳۹-۳۲۷.
- طالب، م؛ گودرزی، م. (۱۳۸۳): «قومیت و جنسیت: مطالعه موردی گروه‌های قومی در سیستان و بلوچستان»، *فصلنامه علمی - پژوهش زنان در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره ۲، ش ۱، صص ۴۸-۲۳.
- عنایت، ح؛ پرنیان، ل. (۱۳۹۲): «مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری»، *فصلنامه زن و جامعه*، ۴(۲)، ۱۳۶-۱۰۹.
- فروتن، ی. (۱۳۸۸): «زمینه‌های فرهنگی تحولات جمعیت‌شناختی: با اشاراتی به انتقال باروری در ایران»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، س ۵، ش ۱۴، صص ۱۱۰-۹۱.
- ----- (۱۳۹۴): «پیامدهای هویتی تحولات جمعیتی و نهاد خانواده در ج.ا. ایران»، *نامه هویت*، ۲(۱۵)، ۳۸-۳۱.
- ----- (۱۳۹۷): «بررسی تمایزات شیعی - سنی نگرش جنسیتی در ایران»، *مطالعات جنسیت و خانواده*، دوره ۶، ش ۲، صص ۱۵۶-۱۲۵.
- فروتن، ی. و همکاران (۱۳۹۵): «ملاحظات قومی مذهبی نگرش جنسیتی در شهرستان بجنورد»، *فصلنامه علمی - پژوهشی راهبرد اجتماعی فرهنگی*، س ۵، ش ۱۸، صص ۱۰۶-۸۵.
- فروتن، ی؛ بایزیدی، شادی (۱۳۹۸): «ترجیحات شیعی - سنی باروری در ایران»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۱۰(۱): ۸۰-۵۷.
- فروتن، ی؛ رضایی‌پاشا، صدیقه (۱۳۹۷): «تأثیرات هویت دینی بر تمایلات فرزندآوری در مناطق روستایی و شهری منتخب ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، دوره ۱۹، ش ۷۳، صص ۹۶-۷۵.
- فروتن، ی؛ کرمی، فرشاد (۱۳۹۵): «الگوها و تعیین کننده‌های تمایلات فرزندآوری در ایران»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، دوره ۱۱، ش ۲۱، صص ۱۰۱-۷۲.
- قدرتی، ح. (۱۳۸۴): «بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی مؤثر بر رفتار باروری در مناطق روستایی

- با استفاده از مدل ترکیبی؛ مطالعه موردی شهرستان سبزوار: دهستان بیهق»، *فصلنامه جمعیت*، ج ۱۳، ش ۵۳ و ۵۴، صص ۴۳-۷۶.
- کنعانی، م. (۱۳۸۵)؛ «پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه ایرانیان ترکمن»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، (۱)، ۱۰۴-۱۲۶.
- گلدستون، ج. و همکاران (۱۳۹۵)؛ *جمعیت‌شناسی سیاسی: نقش جمعیت در نقش تغییرات جمعیتی در سیاست ملی و امنیت بین‌المللی*، ترجمه ی. فروتن، تهران: مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- لوکاس، د؛ میر، پ. (۱۳۸۱)؛ *درآمدی بر مطالعات جمعیتی*، ترجمه ح. محمودیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمودیان، ح؛ نویخت، ر. (۱۳۸۹)؛ «مذهب و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های سنی و شیعه شهر گله دار استان فارس»، *فصلنامه علمی - پژوهشی مسائل اجتماعی ایران*، س ۱، ش ۱، صص ۱۹۵-۲۱۵.
- Andersson, G. et al. (2007); Understanding Parental Gender Preferences in Advanced Societies: Lesson from Sweden and Finland, *Demographic Research*, 17(6), 135-156.
- Blee. Kathleen M ., Tickamyer .Ann R. (1995); Racial Differences in Men's Attitudes about Women's Gender Roles, *Journal of Marriage and Family*, 57 (1): 21-30.
- Cotter D A, J M Hermsen and R Vanneman (2001); omen's Work and Working Women: The Demand for Female Labor', *Gender and Society*, 15 (3): 429-452.
- Davis K (1984); "Wives and Work: The Sex Role Revolution and Its Consequences", *Population and Development Review*, 10 (3): 397-417.
- Egmond, m. et al. (2010); A Stalled Revolution? Gender Role Attitudes in Australia, *Journal of Population Research*, 27: 144-168.
- Foroutan, Y. (2019); Cultural analysis of Half-Century Demographic Swings of Iran: The Place of Popular Culture, *Journal of Ethnic and Cultural Studies*, 6 (1): 77-89.
- ----- (2019); Formation of Gender Identity in the Islamic Republic of Iran: Does Educational Institution Matter?, *Journal of Beliefs & Values: Studies in Religion & Education*, 39 (2): 1-18.
- ----- (2015); Misunderstood Population?: Methodological Debate on Demography of Muslims in the West. Pp.163-176, In *Yearbook of International Religious Demography*, edited by Grim, B. et al. The Netherlands: Brill Press.
- ----- (2014); Social Changes and Demographic Responses in Iran (1956-2006), *British Journal of Middle Eastern Studies*, 41(2), 219-229.
- Fortin, N. (2005); "Gender Role Attitudes and Labour Market Outcomes of Women Across OECD Countries", *Oxford Reviews of Economic Policy*, 21 (3): 123-139.
- Goldstone, J. et al. (2012); *Political Demography: How population changes are reshaping international security and national policies*, New York: Oxford University Press.
- Good, W. J. (1963); *World revolution and family patterns*, New York: Free Press.
- Jacob, K. and Kalter, F. (2013); Intergenerational Change in Religious Salience among Immigrant Families in Four European Countries, *International Migration*, 51 (3): 38-56.
- Huntington, S. (1996); *The Clash and Civilization and Remaking of World Order*. New York: Simon & Schuster.
- Kaufman, E. & Skirbekk, V. (2012); Go Forth and Multiply: The Politics of Religious Demography, pp. 121-149,. In *Political Demography: How population changes are*

- reshaping international security and national policies, New York: Oxford University Press.
- Inglehart, R. (1977); *The Silent Revolution: Changing values and political styles among Western Publics*, Princeton: Princeton University Press.
 - McQuillan, K. (2004); *When Does Religion Influence Fertility? Population and Development Review*, 30(1), 25-56.
 - Lindsey, L. L. (2015); *Gender Roles: A Sociological Perspective*. Boston, MA: Prentic Hall.
 - Norris, P. & Inglehart, R. (2004); *Sacred and Secular: Religion and Politics Worldwide*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
 - Pew Research Center (2013); *The Muslim World: Religion, Politics and Society*. Retried 12 March 2016, from: <http://www.pewforum.org/2013/04/30/the-worlds-muslims-religion-politics-society-overview/>
 - Rowland, D. T. (2012); *Population Aging: The Transformation of Societies*, Springer, the Netherland.
 - Van de Kaa, K. (1987); Europe's second demographic transition, *Population Bulletin*, 42 (1): 1-57.
 - Shaditalab, J. (2005); "Iranian Women: Rising Expectations", *Critique: Critical Middle Eastern Studies*, Vol 14, No. 1: 35-55.
 - Valentova ,Marie .(2012); "Gender Role Attitude s in Luxembourg between 1999 and 2008", *Working Papers* ,NO 2:1-29.
 - Westoff, C. F. & Jones, E. (1979); The End of 'Catholic' Fertility, *Demography*, 16(2), 209-217.
 - Westoff, C. F. & Frejka, T. (2007); Religiousness and Fertility Among European Muslims, *Population and Development Review*, 33(4), 785-809.
 - Shadi Talab, Zhaleh (2005); "Iranian Women : Rising Expectations", *Critique* 14, No. 1, PP 35-55